



شاهزاده / اگر مردی دست نزن خود را بگیرد و بخواهد در آتش اندازد و آن شعیفه باید مطلقه بشود. سگت و خاموش باشد ایامتغاض نماید. بی بی / بچه مولانا تو این ایام هم نمی نوشتی چه می شد؟ او ظاهر آن گوش به بند و اندر زنی های نوبسندگان تادیب انسان و افرادی از این قبیل ندهید. این امر بی زنی که خود را نادر در آن می انداخت بهتر است که به اصلاح صفت زریه خود بر آید. آنان می انداختند که این نصیحت بر ای تادیب مانیست و برای اثبات نظر بر مظلوم است. این امر میان دخترهای ای ماکاری انجام داده اند که مملکت را هم می خستنی کشانده اند. ماکدر در آن مردان و زنان و طفلی و بچه یوم پس این همه فساد را اینان بر پا کردند. عکس / کنجینه عکس های تاریخی ایران به کوشش ایرج افشار



شاهزاده / زن [بر سر سفره] باید از شوهر دور بنشیند. بی بی / این همه زنان فرزند حاکمانی است که پیش خود خیال کرده ... او اوقات و صحبت و عاشقی و معشوقی با این رسم و این رسم [] مختلف کنایه دار دیده هیچ قسم تصور نمی توان نمود. خداوند هوش گر است فرماید. عیانت نهار / عکس / آنتوان سوروگین

آنگاه که شمشیر یک زن از نیام به در می آید

جدال شاهزاده و بی بی

روایتی مصور از نخستین روایتی مکتوب جنسیتی زنان و مردان در ایران



شاهزاده / زن باید قدمها را آهسته بردارد و سخن را نرم و ضعیف بگوید. مثل کسی که از ناخوشی بر خاسته باشد. بی بی / این زن از برای مردی خوب است که امر بگیرد یا بشد یا خونوار و شیر مرد را از او بکنند و اگر خانه همه مردان و بویرون خانه زن هم عقیم بکنند و نه اولاد و نه نسل. شبانه روز آنده هفتاد و نوبت مرد نماید و مرد هم با اهل عیش نباشد یا اگر هم باشد بیرون خانه می نشیند. و آن زن بیچاره مرد در عین عیب با این همه کارهای بسیار مشکل و دشوار باید فطن مرد هم باشد. چگونه می تواند این قسم رفتار و مواظبت کند؟ چون عید ذیل در خدمت ب جلی. عکس / آنتوان سوروگین

در میانه مناظر های مکتوب که میان شاهزاده های گمنام و بی بی خاتم استر آیادی در باره جایگاه زن در عصر قاجار در گرفته است. شاهزاده های زنانه با مطلق است منطقی که او بر آن اساس ایستاده و نظریات خود را استوار ساخته به انداز ای سست و کومه است که در روایتی با استدلال های بکن زن یا هوشی. یک خبر سراسری تاریخی « برای مردان به جای گذاشته است بی بی خاتم استر آیادی و مالکای هوشمندانه به نصیحت های شاهزاده گمنام باجری با پاسخ داده است که نمی توان به نخستین زنان نگشود. او بیرون از آن آوردگاه تاریخی است. این زن روشنگر در میانه عصر قاجار. البته از یک برتری در میانه این دعوا به خوبی بهره جسته است. شاهزاده گمنام. سه ساله تأیید انسان را در دوره محمدشاه قاجار تأیید کرده است بی بی اما در سال های پایانی ناصر الدین شاه قاجار. پسر محمدشاه. کتاب معایب الرجال را در پاسخ به او نگاشته است. شاهزاده عمو را شروع کرده اما بی بی در زمانی با پاسخ داده است که اجتماع دیگر شاهزاده های در میان نبوده است که بی بی پاسخ دهد. گوشه های پر روایت تصویر های بی بی خند های شاهزاده به نسوان و در برابر پاسخ های بی بی احتمالاً به ناما بندگی از جماعت نسوان را زوروری هم بنگاریم... داور و از برای با مخاطب امروری...



شاهزاده / بستگی زن در فرمانبرداری از شوهرش است. بی بی / ای خواهر این خینی من در صورتی این نصیحتها را بجا بیاورد که شوهر مومن و صالح پیر او مومن معتدب و نگر دودار خوش سلوکی و مهربان است تا نگذرد تا لایق طلاق فرماید. بهانه جویسی و ایرادگیری پیشه خود نکند. سفاکی بی گنا را شاعر خود نداند. اجازت و فریاد از خانه فراری نباشد. زن پوست نه امر دین باشد و با آن که چون مردان بی غیرت بدون جهت زن طلاق دهد. اگر بدین صفت متصف نشد البته هر چه زودتر بهتر در خلاصی خود سعی نمایی که هر چه زود خلاص شوی بدیر است تا توانی پیر بشدی [ای]. پیکتیکمر دانه به سبک و سبای قاجاری



شاهزاده / زن نباید از شوهرش چیزی بخواهد. مگر این که شوهر خودش لطف کند. بی بی / سرد... دوزخی را حکایت کنند که دو موره آبی داشت یکی را به این زن دیگری را به زن دیگر داده بود و هیچ کدام از موره یکدیگر خیر ندانستند. در حضور ایشان... می گفت موره آبی پیش هر کدام از شمامت جان من هم در آنجاست. آن دوزخ سده همیشه خوشحال و ز شوی را می خواهند. همان طور که واضح و برهن است. چنین کنده اند که روی هر مردان. اگر چه دردمعنان می خورد... در این زمان مردی که عدالت نماید اکسیر اعظم است. اگر بعضی از مردان بخواهند عدالت کنند مثل صاحب گوی موره عدالت می کنند و آن مگر است عدالت. اگر چه مردان... مگر را تعاضا از زنان می دانند اما بدلیل و برهان مظلومی می شود که مگر زنان هم از مردان است. اگر مگر بداند از ایشان آموخته اند. عکس / آنتوان سوروگین



شاهزاده / باید زن در سر خوان و در زیر سفره نان دوزار نوب نشیند و سه انگشتی غذا بخورد و در فرزند دمه داند کند و جواب کسی را نکند. بی بی / از روی صورت نصف بگرد. زمانی که ما چندین طفل کوچک و بزرگ بر سر خوان و سفره دستان این قسم رفتار می نمودند دیگر آن طفل بر سر سفره نظر فی یالهی می گذاردند یا فرست می بکنند در خاتون در می دهند؟ اگر زن ساکت باشد... آن بچگان کینه خورش را در افسر و میر زندیا افشرا را بر سر یاو طار می کنند. زن هیچ نکند یا بورد پیشی سسر بگذارد در گوشه بگوید بایات به افرات. آن ام بگیر و بشنیدن و حرف من. طفل زندگان را بر او مرد در ام و طعام را انصام می کنند. باید زن و مرد با بعضی طفل خرد گریسته مانند و ظروف شکسته. عکس / آنتوان سوروگین



شاهزاده / زخم زنی [نسوان] بدتر از زخم سنان است. بی بی / حق است این سخن حق نشاید نهفت... آنچه زخم زبان کند با مرد هیچ شمشیر جان سنان نکند. اما از روی انصاف در هیچ عهد و زمانی در هیچ زمین و مکانی به کسی ملامت شده است که گفته می شد فریاد بگردد او در جواب بگوید زهر مرگ تا مرد خود صد مرتبه زخم زبان به زن چندان نزنند و زن را ملجا نکنند. زن یک مرتبه جواب زشت ندهد. جواب چنگی یک چنگ است. کاف از را یادش سبک است. عکس / کنجینه عکس های تاریخی ایران